

در واکنش به دفاع از شرط بندی در فضای موسیقی غیر رسمی

وقتی «هنجار شکنی» مبتدل می شود



بهر روز آفاخانیان

مدتی پیش علیرضا جی در اینستاگرام خود متنی به این مضمون نوشت: «در ایران همه چیز را ممنوع کردند. الکل، پارتنی، استادیوم، موسیقی، شرط بندی. حجاب هم که اجباری است.» البته نوشتن این متن و صحبت هایش پس از آن، نه بی دلیل بلکه واکنشی بود به قانون جدید مجازات صاحبان و تبلیغ کنندگان سایت های قمار و کازینو های که این روزها مثل قارچ در فضای مجازی رشد کرده اند. جی جی درست می گوید. فقدان آزادی های مدنی و برخوردی که با شهروندان می شود شاید جزو مسائلی باشد که اکثریت جامعه ایران بجز گروهی کوچک بر روی آن صحنه می گذارند. پس اشکال کار کجاست؟ در این نوشته کوتاه سعی می کنم به مغلطه، سودجویی و برداشت سطحی سیجیل و جی جی که عصاره آن در این اظهار نظر

جی جی نرفته است بپردازم. اواسط دهه ۸۰ بود و چند سالی از شکل گیری زدبازی می گذشت که با ورود سیجیل و جی جی کارهای مثل بریم فضا، مال هم بودیم، بی حس و تابستون کوتاه از این گروه منتشر شد. آهنگ هایی که به قول معروف حال و هوای آثار زدبازی را کمی رمانتیک و پاپ تر می کرد و از فضای گنگ پسرانه سال های قابل فاصله می داد. ولی با این وجود درونمایه هنجار شکن زدبازی همانند قبل همچنان حفظ شده بود. از استفاده از لفظ های خیابانی و محفلی که در تناقض با موسیقی رسمی آن دوره بود گرفته تا حس لذت جویی از زندگی، پارتنی گرفتن، ارتباط آزادتر با جنس مخالف. هر چند تصویر اینگونه فضای اصطلاحاً «بالاشهری و بچه پولداری» برای اغلب نوجوان ها و جوان های آن دوره بیشتر حکم فانتزی و حسرت را داشت اما به هر صورت ایستادن در مقابل هنجار های نسل پیشین یعنی

پدر مادرها و لذت بردن از زندگی و داشتن آزادی های فردی که تا حد زیادی از این نسل به واسطه نگاه حکومت و هنجار های جامعه دریغ شده بود، عناصری بودند که تجلی آن در آثار زدبازی برای نسل دهه ۶۰ نوعی روزنه برای همذات پنداری و بیان خود باز می کرد. اوایل دهه ۹۰ هم زمان شد با ورود جیدی رادپو جوان به عنوان تهیه کننده که اقدام مهمی بود در تجاری شدن ریفراسی و هدف قرار دادن مخاطبینی که تا قبل از آن جزو پیگیران اصلی این سبک به حساب نمی آمدند. زمانی بود که اعضای زدبازی بعد از پخش فیلم مستندشان دچار اختلاف و جدایی شدند و به این صورت می شد از این پس شخصیت و طرز فکر هر کدام از آنها به عنوان یک هنرمند از روی آثار و فعالیتشان به طور مستقل تحلیل و بررسی کرد. در واقع می شد دید که در بین اعضای گروه سیجیل و جی جی هم به واسطه زندگی در

خارج کشور و دید تجاری شان به موسیقی هر چه بیشتر به دنبال کسب درآمد هستند. اما این وسط چه بر سر آن درون مایه هنجار شکن گذشته آمد؟ آلبوم های پیر شدیم ولی بزرگ نه یک و دو و همچنین ستاره بازی و تک آهنگ های متعدد آنها در این سال ها بجز آهنگ های معدود همچنان همان موضوعات را دنبال می کنند. سر خوشی و لذت جویی در زندگی، مصرف مواد، دافو پلنگ، همه و همه اما در قرار دادن مخاطبینی که تا قبل از آن جزو پیگیران اصلی این سبک به حساب نمی آمدند. زمانی بود که اعضای زدبازی بعد از پخش فیلم مستندشان دچار اختلاف و جدایی شدند و به این صورت می شد از این پس شخصیت و طرز فکر هر کدام از آنها به عنوان یک هنرمند از روی آثار و فعالیتشان به طور مستقل تحلیل و بررسی کرد. در واقع می شد دید که در بین اعضای گروه سیجیل و جی جی هم به واسطه زندگی در

بودند سرخوش و خسته از جوسنتی و دمده حاکم بر فرهنگ و موسیقی پاپ زمان خود. می خواستند دوست از جنس مخالف داشته باشند، پارتنی کنند، مخفیانه الکل بنوشند و لب ساحل با هم قدم بزنند. خواسته هایی که در جامعه کمی باز تر نه نیاز بود برای دانش نشان «بچه بالا» باشی و نه اصطلاحاً هنجار شکنی کنی. اما در دوره ایسنتاگرام و جوانان و نوجوانان دهه ۷۰ و ۸۰ چطور؟ دنیایی که فضای مجازی آن پر است از عکس ها و فیلم های خصوصی، پارتنی و مشروب خوردن و دختر پسرهایی که آزادانه تر از ۱۵ سال پیش با هم وارد رابطه می شوند. در واقع آن نوع هنجار شکنی زدبازی در سال های ابتدایی امروزه حداقل برای مخاطبان نشان موضوعیت خود را تا حد زیادی از دست داده است. شخصیت امروز آثار سیجیل و جی جی که مردانی ۳۴ ساله و دارای همسر (یا همراه جدی) هستند ناچار است فراتر برود. در لوکس ترین ساحل ها و هتل ها سیگار برگ کوبایی بکشد. در ویدئوها دورش را به جای دختر همسایه توپارتی، زناتی پر کند که برای با کسی بودن ستاره بازی و تک آهنگ های متعدد آنها در این سال ها بجز آهنگ های معدود همچنان همان موضوعات را دنبال می کنند. سر خوشی و لذت جویی در زندگی، مصرف مواد، دافو پلنگ، همه و همه اما در قرار دادن مخاطبینی که تا قبل از آن جزو پیگیران اصلی این سبک به حساب نمی آمدند. زمانی بود که اعضای زدبازی بعد از پخش فیلم مستندشان دچار اختلاف و جدایی شدند و به این صورت می شد از این پس شخصیت و طرز فکر هر کدام از آنها به عنوان یک هنرمند از روی آثار و فعالیتشان به طور مستقل تحلیل و بررسی کرد. در واقع می شد دید که در بین اعضای گروه سیجیل و جی جی هم به واسطه زندگی در



شبیبه همین مثال بوده و در واقع می تواند گفت که متولیان حکومتی حوزه فرهنگ (حداقل در موضوع موسیقی) سیاست های واکنش گرایانه داشته اند و نه سیاست های کنش گرایانه. به عبارت ساده تر از منظر تصمیم گیرندگان فرهنگی کشور اصل موسیقی پاپ (و سایر انواع موسیقی) نیست که مجاز و بلکه لازم و که با اشعاری توهین آمیز و مفتضح خواننده می شود و معلوم نیست به لحاظ موسیقایی «هارد راک» است یا «هوی متال» یا «رپ» و راهی یابیم!

سخن آخر این که توصیه من به آقای علم الهدی این است که به جای پرداختن به مفاهیمی همچون موسیقی و غنا (که سر رشته ای در آن ندارند) به مفاهیم مرتبط با علم و تخصص خودشان بپردازند، بلکه ما از سال های بعد در ایام محرم و سایر روزهای مشابه در طول سال از صدای انکرالاصوات نوحه های سخنی که با اشعاری توهین آمیز و مفتضح خواننده می شود و معلوم نیست به لحاظ موسیقایی «هارد راک» است یا «هوی متال» یا «رپ» و راهی یابیم!

شبیبه همین مثال بوده و در واقع می تواند گفت که متولیان حکومتی حوزه فرهنگ (حداقل در موضوع موسیقی) سیاست های واکنش گرایانه داشته اند و نه سیاست های کنش گرایانه. به عبارت ساده تر از منظر تصمیم گیرندگان فرهنگی کشور اصل موسیقی پاپ (و سایر انواع موسیقی) نیست که مجاز و بلکه لازم و که با اشعاری توهین آمیز و مفتضح خواننده می شود و معلوم نیست به لحاظ موسیقایی «هارد راک» است یا «هوی متال» یا «رپ» و راهی یابیم!

سخن آخر این که توصیه من به آقای علم الهدی این است که به جای پرداختن به مفاهیمی همچون موسیقی و غنا (که سر رشته ای در آن ندارند) به مفاهیم مرتبط با علم و تخصص خودشان بپردازند، بلکه ما از سال های بعد در ایام محرم و سایر روزهای مشابه در طول سال از صدای انکرالاصوات نوحه های سخنی که با اشعاری توهین آمیز و مفتضح خواننده می شود و معلوم نیست به لحاظ موسیقایی «هارد راک» است یا «هوی متال» یا «رپ» و راهی یابیم!

در دو سال اخیر و با ورود سایت های قمار و شرط بندی کلاهبردار و اصطلاحاً بی در و پیکر فارسی که رویای موفقیت و پولدار شدن یک شبه را به مخاطب خود می فروشند، سیجیل و جی جی هم هر چه بیشتر از قبل در این مسیر در سراسر آشنایی افتاده اند

سایت های قمار و شرط بندی کلاهبردار و اصطلاحاً بی در و پیکر فارسی که رویای موفقیت و پولدار شدن یک شبه را به مخاطب خود می فروشند، سیجیل و جی جی هم هر چه بیشتر از قبل در این مسیر در سراسر آشنایی افتاده اند. در واقع چه شخصیت هایی بهتر از این دو برای فروش رویای زندگی لوکس، افرادی که اگر خلاقیت و سابقه قابل احترامشان در ریفراسی نبود امروز شاید رفتار و تبلیغاتشان در فضای مجازی آنها را در حد افراد فرومایه ای مانند پویان مختاری و داود هز بنه پایین می آورد. جمله علیرضا جی جی که در ابتدای نوشته نقل به مضمون شده بود را دوباره بخوانیم. جی جی رندان قمار و شرط بندی در سایت های غیر قانونی و کلاهبردار را که فعالیت برای آنها نه تنها در ایران بلکه همه کشورهای از جمله محل زندگی خود او نوعی جرم و فساد اقتصاددست را در کنار آزادی های مشروع فردی و مدنی می آورد که سال هاست خواسته گروه های بزرگی از مردم ایران است. و این چیزی جز سوء استفاده از احساس و آرزو های مخاطب در راستای منافع شخصی نیست. اینکه بگویند تبلیغ شرط بندی هم در راستای همان هنجار شکنی هایی است که ما سال ها در مورد مسائل دیگر انجام می دادیم.

شبیبه همین مثال بوده و در واقع می تواند گفت که متولیان حکومتی حوزه فرهنگ (حداقل در موضوع موسیقی) سیاست های واکنش گرایانه داشته اند و نه سیاست های کنش گرایانه. به عبارت ساده تر از منظر تصمیم گیرندگان فرهنگی کشور اصل موسیقی پاپ (و سایر انواع موسیقی) نیست که مجاز و بلکه لازم و که با اشعاری توهین آمیز و مفتضح خواننده می شود و معلوم نیست به لحاظ موسیقایی «هارد راک» است یا «هوی متال» یا «رپ» و راهی یابیم!

سخن آخر این که توصیه من به آقای علم الهدی این است که به جای پرداختن به مفاهیمی همچون موسیقی و غنا (که سر رشته ای در آن ندارند) به مفاهیم مرتبط با علم و تخصص خودشان بپردازند، بلکه ما از سال های بعد در ایام محرم و سایر روزهای مشابه در طول سال از صدای انکرالاصوات نوحه های سخنی که با اشعاری توهین آمیز و مفتضح خواننده می شود و معلوم نیست به لحاظ موسیقایی «هارد راک» است یا «هوی متال» یا «رپ» و راهی یابیم!

شبیبه همین مثال بوده و در واقع می تواند گفت که متولیان حکومتی حوزه فرهنگ (حداقل در موضوع موسیقی) سیاست های واکنش گرایانه داشته اند و نه سیاست های کنش گرایانه. به عبارت ساده تر از منظر تصمیم گیرندگان فرهنگی کشور اصل موسیقی پاپ (و سایر انواع موسیقی) نیست که مجاز و بلکه لازم و که با اشعاری توهین آمیز و مفتضح خواننده می شود و معلوم نیست به لحاظ موسیقایی «هارد راک» است یا «هوی متال» یا «رپ» و راهی یابیم!

شبیبه همین مثال بوده و در واقع می تواند گفت که متولیان حکومتی حوزه فرهنگ (حداقل در موضوع موسیقی) سیاست های واکنش گرایانه داشته اند و نه سیاست های کنش گرایانه. به عبارت ساده تر از منظر تصمیم گیرندگان فرهنگی کشور اصل موسیقی پاپ (و سایر انواع موسیقی) نیست که مجاز و بلکه لازم و که با اشعاری توهین آمیز و مفتضح خواننده می شود و معلوم نیست به لحاظ موسیقایی «هارد راک» است یا «هوی متال» یا «رپ» و راهی یابیم!

نوا

با حکم مدیر کل دفتر موسیقی وزارت ارشاد علی ثابت نیا مدیر اجرایی سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر شد



مدیر کل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با صدور حکمی مدیر اجرایی سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر را منصوب کرد. به گزارش روابط عمومی دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طی حکمی از سوی محمد اله باری فومنی مدیر کل دفتر موسیقی و رئیس سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر علی ثابت نیا به عنوان مدیر اجرایی این جشنواره منصوب شد. در حکم مدیر کل دفتر موسیقی برای علی ثابت نیا آمده است:

باعنایت به آیین نامه جشنواره موسیقی فجر و با توجه به تعهد و سوابق مثبت جناب عالی در انجمن موسیقی ایران و برگزاری رخدادهای موسیقایی، به موجب این حکم به عنوان مدیر اجرایی سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر منصوب می شوید. امید است همکاری صمیمانه جناب عالی و همکارانتان با این جانب و دبیر محترم جشنواره و همچنین تعامل با هنرمندان ارجمند حوزه موسیقی و بهره مندی از تجارب دوره های گذشته موجب شود تا جشنواره های پر نشاط، با مشارکت گسترده گروه های هنری و برخوردار از شاخصه های هنری و اجرایی مورد قبول در پیش داشته باشیم.

علی ثابت نیا، مدیر عامل انجمن موسیقی ایران، موسیقی ریف دستگامی و مقامی شرق خراسان را می شناسد و مدیر اجرایی دوازدهمین و سیزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان را در کارنامه خود دارد.

حسین علیزاده دست نویس «نی نوا» را به موزه موسیقی اهدا کرد
سپاس نامه شهردار تهران، به حسین علیزاده



«شهروند هنرمند جناب استاد حسین علیزاده شهر تهران به شهروندی شما متفخر است و از جمله میراث معنوی این شهر محسوب می شوید. به طور حتم خانه علیزاده در کوچه و خیابان همین شهر شکل گرفته است، نوای موسیقی اش از ورای در و دیوار آن فراتر رفته و کل جهان را طنین انداز کرده است. خانه حسین علیزاده، تبلور و تجلی هنر و موسیقی و معنویت است. با موسیقی اش بسیاری عالم معنا و خلسه عارفانه را تجربه کرده اند. هر غرضی که حنجره انسان توان بیانش را نداشته است، مردم این سرزمین از «نی نوا» ی شما شنیده اند و با ساز شما خاموش اما «فریاد» را به هنگام درد و رنج خویش همنا شده اند. از این که شصت و هشتمین زادروز خود را همچنان در شهر تهران به سر می برید، بسی خوشحالی و سرور را برای من به عنوان شهردار تهران به همراه دارد و به رسم ادب و احترام این سیاست نامه را تقدیم شما می دارم. امید که سایه پر مهرتان بر تارک موسیقی این سرزمین باشد و سالیان سال از عشق و مهر بنوازدید.» در این مراسم که در موزه موسیقی به مناسبت شصت و هشتمین زادروز استاد حسین علیزاده برگزار شد همچنین هدایایی همراه با دو کتاب نفیس از معماری شهر تهران از سوی شهردار تهران به حسین علیزاده اهدا شد. حسین علیزاده نیز پارتیتور دست نویس اثر ماندگار «نی نوا» را به وسیله شهردار تهران به موزه موسیقی اهدا کرد.



چند نکته در خصوص اشارات اخیر آقای علم الهدی پیرامون موسیقی

آنچه حرام نیست (بخش دوم)

مهدی قادری

هفته گذشته بخش اول نقد نوشته درباره صحبت های آقای علم الهدی منتشر شد که امروز در ادامه آن بخش دوم (پایانی) منتشر می شود. اما آنچه ایشان به عنوان نتیجه سخنان بدان اشاره می کند، حرف درستی است که از موضعی غیر مسئولانه به آن پرداخته اند. در حقیقت اشاره مستقیم حرف های ایشان به نوعی از موسیقی برمی گردد که ما از آن به عنوان موسیقی تفننی (و البته تجاری) یاد می کنیم، یا به عبارت ساده تر موسیقی مبتذل.

این که چرا این نوع از موسیقی رواج روزافزون یافته، در واقع امر به رفتار دستگاه های فرهنگی کشور و تلقی سیاست گذاران فرهنگی از موسیقی (و سایر هنرها) بازمی گردد که اساساً هنر مقبول را هنری می دانند که در خدمت اهداف تبلیغاتی یا سایر اهداف اجتماعی نظام باشد، و یا از موسیقی به عنوان وسیله ای برای پر کردن اوقات فراغت و ایجاد شادی در میان جوانان یاد می کنند. بدیهی است که چنین برداشت ابزار انگارانه ای از موسیقی به رونق نوعی از آن می پردازد که اولاً مخاطب عام داشته باشد و ثانیاً مبتنی بر کلام بوده و ثالثاً ممیزی پذیر باشد. طبیعتاً چنین پدیده ای را دیگر نمی توان هنر به حساب آورد و این پدیده به همراه خود تبعاتی دارد که کنترل آن ممکن نیست. از سوی دیگر

این پدیده اقتصاد بسیار بزرگی به همراه می آورد که سرمایه گذار (حتی غیر فرهنگی) را ترغیب به ورود در آن می کند و خود این امر به توسعه و گسترش آن کمک کرده، علاوه بر آن که موسیقی جدی، متفکرانه و هنری را به محاق می برد.

سردمدار ترویج این نوع از موسیقی صداوسیما جمهوری اسلامی بوده و هست و به دلیل آن که این دستگاه برد عظیمی در میان جامعه داشته (و تا حدودی دارد)، سایر دستگاه های اجرایی فرهنگی کشور مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به تبعیت از این سیاست خود وادار نموده است.

مثال بارز این ادعا در اول دهه هفتاد رخ داد که صداوسیما به بهانه مقابله با تهاجم فرهنگی و رواج (غیر قانونی) موسیقی «به اصطلاح» لس آنجلسی دست به تولید و پخش آثار موسیقایی پاپ زد که تا حدود یک سال بعد، مرکز موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به آن آثار و آثار مشابه اجازه تولید و نشر نمی داد اما به واسطه این استدلال ساده که «اگر مجاز نیست، چرا از تلویزیون پخش می شود» مجبور به عقب نشینی از مواضع خود شد و مجوز های مورد درخواست را صادر کرد.

متأسفانه در طول ۴۰ سال اخیر مجموعه تصمیمات، سیاست ها و آیین نامه های اجرایی حوزه موسیقی در تمامی دستگاه های فرهنگی کشور